



## تخریب نقاشی دیواری جورج فلوید

نقاشی دیواری جورج فلوید برآثر صاعقه تخریب شد. در حالی که مقامات شهری می‌گویند این سازه به علت صاعقه فرو ریخته اما شاهدان عینی ادعا می‌کنند علت دیگری را مشاهده کرده‌اند. در پی این اتفاق، موج گسترده‌ای در فضای مجازی نسبت به عامدانه بودن این اتفاق به راه افتاده است. / فارس

## ترجمه ایتالیایی آخرین اثر گروس عبدالملکیان

«سه‌گانه خاورمیانه» نهمین اثر گروس عبدالملکیان به ایتالیایی ترجمه شد. آثار این شاعر تاکنون به زبان‌های مختلفی مانند انگلیسی، فرانسه، آلمانی، عربی، سوئدی و گُردی ترجمه و منتشر شده است. عبدالملکیان این کتاب را از زمستان ۹۳ تا پاییز ۹۷ و طی چهار سال با ساختمان و فضایی متفاوت نوشته است. / مهر



حجت‌الاسلام اقبالیان در کنار هم‌روزانش در دوران دفاع مقدس

## روایت نویسنده «حجره شماره دو» از چگونگی نگارش این کتاب و ویژگی‌های شخصیتی حجت‌الاسلام اقبالیان

# پیمان‌های که سرریز شد



رضا یزدانی

شاعر و نویسنده

در تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، افرادی هستند که با وجود نقش بسزا و تاثیرگذارشان در رویدادهای این برهه‌های مهم تاریخی، نامشان همچنان مغفول مانده است؛ افرادی که در طول بیش از ۳۰ سال که از پایان جنگ تحمیلی می‌گذرد، نه به ثبت خاطرات‌شان پرداخته‌اند و نه کسی سراغ آنها برفته است. درحالی که گنجینه‌های مهمی از تاریخ شفاهی در یاد و خاطر این شاهدان زنده وجود دارد که همچنان خاک می‌خورد و آرام آرام غبار فراموشی بر آنها می‌نشیند. اگر کسی سراغ این گنجینه‌ها نرود، بخش مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مغفول خواهد ماند. یکی از این افراد حجت‌الاسلام ابوالقاسم اقبالیان است که چند روز پیش از دنیا رفت و به یاران شهیدش پیوست.

تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس قم، به‌رغم تولید آثار متعدد طی بیش از ۴۰ سال پس از انقلاب اسلامی هنوز بکرو دست‌نخورده است. هنوز هم نیازمند افرادی است که پا در این عرصه

ابوالقاسم اقبالیان را نشناسد اما امروز کمتر جوان و نوجوانی است که بداند این روحانی در روزهای انقلاب و دفاع مقدس چه زحمت‌ها کشیده است. روحانی فعالی که هر جا باری برای انقلاب باید برداشته می‌شد او خودش را می‌رساند. چه قبل انقلاب باشد که باید علیه رژیم پهلوی تبلیغ کند و چه بعد از انقلاب در اعزام رزمنده‌ها به جبهه‌ها. من هم یکی از آن دهه هفتادی‌ها بودم که تا سال ۱۳۹۷ اسمش را نشنیده بودم. یک روز با یکی از دوستانم در اداره حفظ آثار قم کار داشتیم. با این که تجربه‌ای در کار ثبت و ضبط خاطرات شفاهی نداشتیم، خیلی بی‌مقدمه گفتم: رزمنده‌ای هست به نام حاج‌آقای اقبالیان؛ خاطرات خوبی دارد. وقت داری خاطراتش را ثبت کنی؟

نمی‌دانم چرا بدون اما و اگر قبول کردم و قرار جلسه اول مصاحبه را برای دو سه روز بعد گذاشتیم. عصرهای تابستان ۱۳۹۷ به خانه‌اش می‌رفتم. از آشنایی‌اش با شهید باهنر می‌گفت که معلم دبیرستانش بود و از آیت‌ا... سعیدی تعریف می‌کرد که به او توصیه می‌کند طلبه شود. از سیلی‌ای که سال ۵۸ به گوش محمود احمدی‌نژاد می‌زند و از حرف‌هایی می‌گفت که یک چهره انقلابی این روزها در شب ۱۹دی به او می‌زند که «یک مشت طلبه فلان فلان شده می‌خواهید جلوی شاه بایستید...» بعد از انقلاب، بسیج روحانیون را راه می‌اندازد و می‌شود واسطه دیدار علما و امام خمینی (ره). صیاد شیرازی را پیش آقای بهاء‌الدینی می‌برده و آقای بهاء‌الدینی را پیش امام.

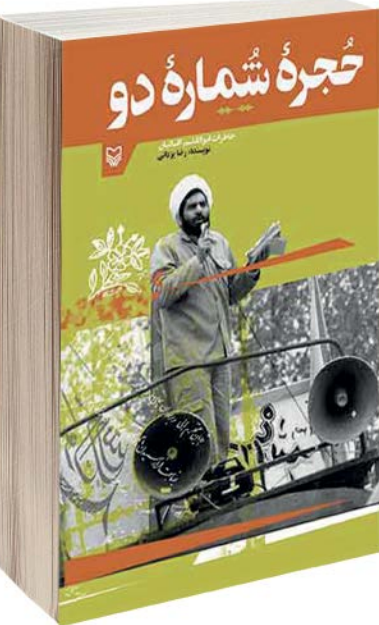
در ماجرای پاوه، همراه شهید چمران و شهید علی قمی سوار هلیکوپتر می‌شوند و خودشان را به پاوه می‌رسانند. اولین کاروان طلبه‌ها را دوم مهر ۱۳۵۹ به خرمشهر می‌رساند. با آیت‌ا... خامنه‌ای و شهید چمران برای شناسایی می‌رفتند. به غرب می‌رود و در آزادسازی مهاباد نقش کلیدی خودش را ایفا می‌کند. بعد از جنگ هم مسوولیت تبلیغات حوزه علمیه قم و بعد از مدتی عقیدتی و سیاسی نیروی انتظامی قم را برعهده می‌گیرد. آنقدر در نیروی انتظامی خدمت می‌کند و واسطه بین علما و مردم می‌شود که آیت‌ا... فاضل لنکرانی به او می‌گوید: آقای اقبالیان! مردم‌آه و درد دل‌شان را پیش ما

می‌آورند و ما نقش دودکش مردم را داریم. ما هم به شما می‌گوییم و شما می‌شوید دودکش ما. بعد از این که نگارش کتاب تمام شد، تصمیم داشتیم خاطراتش را تا فوت امام خلاصه کنیم تا کتاب پرچم نشود اما شهیدی به خوابش می‌آید و می‌گوید: چرا قصه آن دو دانشجوی وهایی که در سال ۷۰ در مکه شیعه‌شان کردی را در کتاب نیاوردی؟ وقتی خوابش را برایم تعریف کرد، خشمم زد. نشستیم و فصل آخر کتاب را هم اضافه کرده و فهمیدم نوشتن این کتاب را کس دیگری دارد مدیریت می‌کند.

### روایت از «حجره شماره دو»

هرکس «حجره شماره دو» خاطرات مرحوم اقبالیان را خوانده به ارتباط قلی ایشان با حضرت زهرا (س) و امام خمینی (ره) پی برده است. از توسل‌های رای و حضرت زهرا (س) و کتک خوردن هایش به خاطر حاج‌آقا روح‌ا... این ارتباط آنقدر عجیب بود که خیلی اتفاقی روز رونمایی کتاب هم مصادف شد با میلاد حضرت زهرا (س) و تولد امام خمینی (ره).

بهمن سال گذشته تصمیم گرفتیم مراسم رونمایی



همین طور هاج و واج ماندم. به تنها چیزی که توجه نکرده بودم مناسبت آن روز بود. فهمیدم واقعا حضرت زهرا (س) به زندگی این مرد توجه خاصی دارد. شاید همچنان می‌خواهد نگذارد احساس بی‌مادری کند. حاج‌آقا سال ۱۳۹۶ به کما می‌رود. دکترها می‌گویند احتمال زنده‌شدنش یک درصد است اما بعد از یک هفته برمی‌گردد. خودش می‌گفت: در یکی از روزهای گرم تیر ۹۶ به خانه نشسته بودم که ناگهان حس کردم دارم از زمین جدا می‌شوم. هر لحظه منتظر بودم تا از قید دنیا رها شوم... فوراً آمبولانسی خبر کرده بودند تا مرا به تهران ببرند. من که از همان دقایق اول از هوش رفته بودم و چیزی به خاطر نداشتم. نزدیک مرگم امام خمینی (ره) ناگهان حس کردم روبه‌روی گنبد حرم سیدالشهدا (ع) هستم و دستی از دل حرم به ستمم دراز شد. آن دست چیزی مثل خاک را در کف دستم گذاشت و صدایی آمد: «این هم دوستم‌اش!» ناگهان از پشت سر آمبولانس صداهایی به گوشم می‌رسید. در همان حالت بی‌هوشی بلند شدم تا ببینم صدای کیست؛ همه آنهاایی که در سال‌های زندگی خدمتی به آنها کرده بودم پشت سر ماشین می‌دویدند. آن دختر معلول ذهنی که هر کاری از دستم برمی‌آمد برایش انجام می‌دادم گریه می‌کرد و می‌گفت: «بابای من رو کجا می‌بری؟» آن جانبازی که چند سال پیش سیلی محکمی به گوشم زده بود، آن پیرزنی که که‌گاه برایش پول و

غذا می‌بردم، دخترهایی که برایشان از این و آن پول جهیزیه فراهم کرده بودم، همه و همه دنبال آمبولانس می‌دویدند و مرا صدا می‌زدند. بعد از چند لحظه دوباره از هوش رفتم و دیگر چیزی در خاطرم نماند. تا این که پس از یک هفته که پزشکان گفته بودند به احتمال ۹۹ درصد از اتاق عمل زنده بیرون نمی‌آیم، به‌هوش آمدم.

حاج‌آقا می‌گفت: «خودم فکر می‌کنم این هم دو سومش یعنی، خدا دوبار به من شانس برگشتن به دنیا را داده است. یک بار سال ۱۳۶۶ که در جبهه از دنیا رفتم و در سردخانه برگشتم، یک بار هم سال ۱۳۹۶ که دکترها جوایم کردند اما ماندنی شدم. شاید مانندم که خاطراتم ثبت و ضبط شود و بعدش بروم.»

جمعه عصر که خبر نماندنش را شنیدم خیلی ناراحت شدم. آرزو می‌کردم کاش دوباره برگردد و مرگ را گول بزند اما خبر حقیقت داشت. انگار سه سوم پیمان‌ه زندگی‌اش پر شده بود و باید می‌رفت. از طرف دیگر خوشحال بودم که آن همه خاطرات عجیب و جذاب ثبت شد و من به اندازه یک کتاب ۲۸۴ صفحه‌ای وظیفه‌ام را در قبال حاج‌آقا اقبالیان انجام دادم. هرچند هیچ‌وقت یک کتاب خاطرات نمی‌تواند تمام زندگی آن مرد عاشق را نمایش دهد اما لااقل سرخط‌های مهمی از زندگی او را نشان می‌دهد: سرخط‌هایی که می‌تواند انگیزه‌ای شود برای یک نوجوان کاشانی یا ورامینی یا قمی که می‌توان از ۲سالگی طعم بی‌مادری را چشید و با فقر دست‌وپنجه نرم کرد اما زندگی‌ات بشود یک داستان جذاب برگشتش. آن چنان که هرکس خاطرات را بخواند دلش نخواهد کتاب را زمین بگذارد.

رای و باصفای حجره شماره دو رفت و چیزهایی که از او مانده خاطراتی شیرین و عکس‌ها و فیلم‌های پرانگده‌ای هستند که آجرهای ساختمان بلند تاریخ انقلاب هستند اما هنوز هم در گوشه‌گوشه این خاک افرادی هستند که خاطراتشان در گوشه دلشان دارد خاک می‌خورد و کسی سراغشان نرفته است. کاش آنها را دریابیم و روزبه‌روز به مرتفع شدن این ساختمان عزیز کمک کنیم. □

## شرکت «آما پردازش ایساتیس» با بیش از یک دهه فعالیت در زمینه طراحی و تولید نرم‌افزارهای مالی توانسته است گام بزرگی در بهبود مدیریت حسابداری بردارد

# سیستم یکپارچه مالی سپند را امتحان کن

مدیریت صحیح یک مجموعه تنها با درک درست شرایط و آگاهی از دانش روز دنیا قابل دسترسی خواهد بود. موفقیت سیستم‌های پیچیده و چند وجهی تنها با بهره‌گیری از زیرساخت‌های مناسب و کارآمد محقق خواهد شد. مواردی که سبب گسترش چشمگیر نرم‌افزارهای مدیریتی و حسابداری به‌عنوان زیرساخت حیاتی برای تمام موسسات، مجموعه‌ها و کسب‌وکارها در سراسر دنیا شده است. در این میان جوانان متخصص یزدی با تاسیس شرکت «آما پردازش ایساتیس» توانسته‌اند در طراحی و تولید نرم‌افزارهای مورد نیاز برای کسب و کارهای مختلف موثر واقع شوند.

سیمین دخت شاکری  
نشان ایرانی ۲

تولیدی استفاده می‌شد. بنده به کمک یک تیم برنامه‌نویسی و حسابداری نسخه ویندوز این برنامه را با امکانات بیشتر و بهتر طراحی کردم و سپس در سال ۸۸ محصول ما با نام تجاری «سپند» به بازار عرضه شد. درطراحی این نرم‌افزار از آخرین فناوری روز برنامه‌نویسی استفاده شده است. نکته مهم این است که طراحان این برنامه علاوه بر دانش برنامه نویسی،

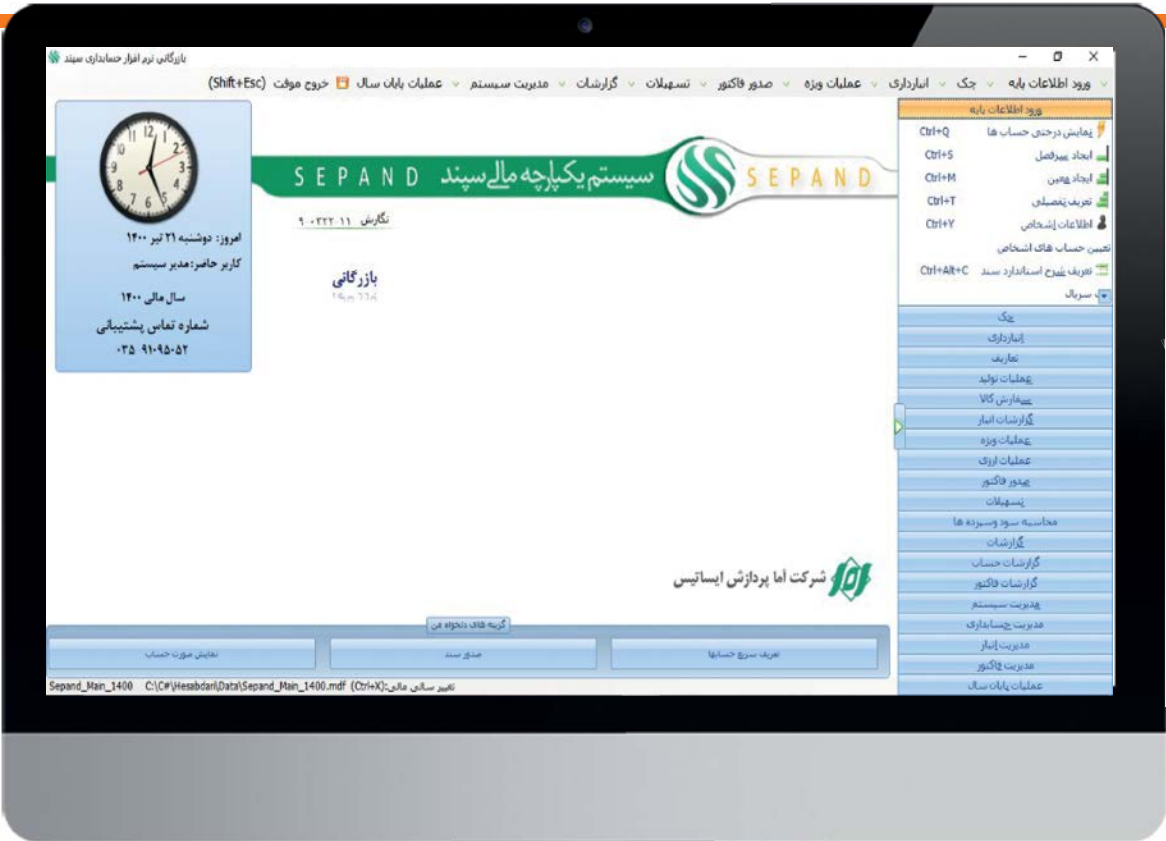


سعید توکلی، مدیرعامل شرکت «آما پردازش ایساتیس» درباره پیشینه تشکیلات این مجموعه به جام جم می‌گوید: «این شرکت ابتدا با نام «آما پردازش ایساتیس» و با نرم‌افزار تحت سیستم عامل داس (DOS) در سال ۸۷ شروع به فعالیت کرد. نسخه تحت داس این نرم‌افزار در بسیاری از شرکت‌های تعاونی صندوق‌های قرض‌الحسنه و شرکت‌های

## نوآوری در محاسبه ورود و خروج کالا



توکلی در ادامه توضیح می‌دهد: «این مجموعه علاوه بر طراحی و برنامه‌نویسی و پشتیبانی نرم‌افزارهای مالی، خدمات مشاوره، سخت‌افزار و شبکه، چند نوآوری در صنعت نیز داشته است. ما خوشبختانه موفق شده‌ایم از طریق فناوری RFID (شناسایی از طرق امواج رادیویی) و نصب آن بر روی تمام محصولات یک مجموعه، عملیات ورود و خروج کالا را به‌طور کامل به سیستم حسابداری متصل کنیم و اتصال به دستگاه‌های صنعتی برای کنترل مصرف مواد اولیه در خط تولید از طریق خروجی‌های پی‌اس‌ال (PLC) نیز از دیگر خدمات ماست.»



می‌کند: «متأسفانه شرکت ما توانست عنوان دانش بنیان نوع ۲ را دریافت کند. این به این معنی است که ما معافیت مالیاتی نداریم. بلکه علت این است که تولید نرم‌افزار را تولید یک محصول نمی‌دانند و فقط به تولیدات فیزیکی یا سخت‌افزاری معافیت مالیاتی می‌دهند. امیدوارم این رویه در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مورد بازنگری قرار بگیرد.»

## راه‌های ارتباط با «آما پردازش ایساتیس»

www.amapardazesh.com

group.sepand@gmail.com

sepandaria

۰۳۵۹۱۰۹۵۰۵۲

یزد، میدان مهدیه  
ساختمان روشا

## سفارشی‌سازی نرم‌افزار، مزیت ماست

مدیرعامل این شرکت دانش بنیان درباره مزایای رقابتی نرم‌افزارهای سپند به جام جم می‌گوید: «گروه متخصصان ما در حوزه حسابداری و نرم‌افزار که تعدادشان اکنون به ۱۶ نفر رسیده است، به‌طور مداوم برای پشتیبانی ۲۴ ساعته در خدمت مشتریان هستند. علاوه بر پشتیبانی، سفارشی‌سازی، مطالعه و بررسی نیازهای هر کسب‌وکار خاص و طراحی نرم‌افزاری دقیق برای آن از مهم‌ترین ویژگی‌های شرکت ماست.»

## چرا تولید نرم‌افزار را تولید یک محصول نمی‌دانند؟

هتل‌ها یا رستوران‌ها به‌طور مستقیم مشتری ما نیستند، بلکه این مجموعه‌ها با استفاده از امکانات زیرساختی مربوط به حسابداری که ما ارائه می‌دهیم می‌توانند کیفیت کار خود را ارتقا ببخشند. خوشبختانه گروه متخصص ما توانسته است یک ساختار جامع و کامل

طراحی و به عملکرد بهتر مجموعه‌ها کمک کند.»

مدیرعامل شرکت «آما پردازش ایساتیس» در ادامه به معرفی برخی دیگر از خدمات ارائه شده از سوی این گروه می‌پردازد و می‌گوید: «صنایع تولیدی تابلو برق، شرکت‌های بازرگانی دارای چند شعبه از دیگر مشتریان ما هستند. از طرف دیگر گروه ما به شرکت‌های خدماتی راه‌حل‌هایی تخصصی مانند راه‌اندازی کیوسک‌های سفارش‌گیری ارائه می‌دهد. برای نمونه سیستم یا کیوسک سفارش‌گیری در کارواش‌ها و آرایشگاه‌ها به‌مشتتری این امکان را می‌دهد که خدمات مورد نظر خود را از این طریق به راحتی ثبت کند.»

## چرا تولید نرم‌افزار را تولید یک محصول نمی‌دانند؟

توکلی در پایان ضمن اشاره به چشم‌انداز برند «سپند» برای تبدیل شدن به یک هلدینگ جامع با به کارگیری ۵۰۰ نفر نیروی کار، یکی از مشکلات شرکت‌های تولید نرم‌افزار را اینگونه بیان